

## پرسش ۱۰۲: اسماعیلیه.

السؤال / ۱۰۲ : الإسماعيلية:

۱- لماذا كتب الإمام الصادق: إسماعيل يشهد أن لا اله إلا الله على كفته ! ألا يدل ذلك على أنه كان يقصد أن يشير إلى إن إسماعيل لن يموت وهو حي، وهو الإمام من بعدي ! ومن ثم تسلسلت الإمامة في أبناء إسماعيل وليس الكاظم، فالكاظم كان درعاً للإمام وهو إمام مستودع؛ ولذا قال الصادق حسب ما ينقل عنه: إن موسى لبس الدرع فاستوت عليه ! وكذلك مما يزيدني قناعة هو أنه عندما توفي الإمام الصادق أوصى إلى خمسة !! ومنهم موسى. فكيف يمكنه أن يوصي إلى خمسة (لئن أشركت ليحبطن عملك).

۱ - چرا امام صادق(ع) بر روی کفن اسماعیل نوشت: اسماعیل گواهی می دهد. لا اله الا الله! آیا این موضوع دلیل بر این نمی شود که امام قصد دارد اشاره نماید: اسماعیل نمرده و زنده است و امام بعد از او می باشد؟! و از همین رو امامت در فرزندان اسماعیل ادامه یافت و نه در کاظم. بنابراین کاظم فقط سپری برای امام و امامی عاریتی بود. و از همین رو طبق آنچه نقل می شود امام صادق(ع) فرمود: موسی زره را پوشیده و اندازه ی او بود! و آنچه مرا قانع تر نمود این مطلب بود که امام صادق(ع) هنگام وفاتش به پنج نفر وصیت نمود!! که موسی از جمله ی آنها بود. چگونه او می تواند به پنج نفر وصیت کند در حالی که:

« اگر شریک بیاوری (شرك پیشه کنی) اعمالت نابود خواهد شد.»

والقول بأنه أراد أن يحمي الكاظم من القتل لا يدخل العقل؛ لأن المنصور ليس ساذجاً إلى هذه الدرجة ! بل إن إظهار موت إسماعيل بجنائزة وهمية (بهذا الشكل الغريب حيث كشف عن وجهه لأصحابه وللناس)، أقول: هذه الطريقة هي أقوى عندي للحفاظ على حياة الإمام الذي ربما كان إسماعيل من القتل.

این گفته که او می‌خواست جلوی کشته شدن کاظم را بگیرد با عقل سازگار نیست؛ چرا که منصور تا این اندازه نادان و ابله نبود. بلکه در خصوص این جدیت در آشکار کردن مرگ اسماعیل (به این صورت عجیب که صورتش را برای اصحاب و مردم آشکار نمود) می‌گوییم: به نظر من این روش، روش مطمئن‌تری برای حفظ زندگی امام بعدی یعنی اسماعیل می‌باشد.

2- الإسماعيلية يقولون بوجود إمام حي من ذرية إسماعيل إلى الآن، وهو في دور الستر، ولهم تأويلات للقرآن والأحاديث ينسبوننها إلى الأئمة. وهم يرفضون الأصول والقياس والاجتهاد والظن.

۲ - اسماعیلیه باور دارند که تا زمان فعلی، امامی زنده از نسل اسماعیل وجود دارد که در دوران غیبت به سر می‌برد. آنها تأویل و تفسیرهایی از قرآن دارند و همچنین احادیثی که به ائمه نسبت می‌دهند. آنها اصول، قیاس، اجتهاد و ظن و گمان را قبول ندارند.

البهائية: ينقل عنهم بأنه لا يوجد ابن للحسن العسكري، وإن جعفر الكذاب هو صادق، وقد كذب السفراء الأربعة؛ لكي يستولوا على الخمس، وادعوا أن للعسكري ابن !! والمهدي قد خرج وهو بهاء الله، وأتى بكتاب جديد ودين جديد كما في الرواية. ولهم كتاب الإيقان وهو وحي من الله. ما ردك عليهم؟

المرسل: حسن علي

بهائیه: از بهائیان نقل می‌شود که می‌گویند حسن عسگری فرزندی ندارد و جعفر کذاب، راستگو است و نواب اربعه دروغ می‌گفتند تا بر خمس تسلط یابند و آنها ادعا کردند که حسن عسگری فرزندی دارد!! بهائیان می‌گویند مهدی خروج کرد؛ او همان بهاء الله است و کتاب جدید و دین جدیدی آورد؛ همان طور که در روایات آمده است.

آن‌ها کتابی به نام ایقان دارند که وحی از جانب خداوند است. در این خصوص چه پاسخی دارید؟

فرستنده: حسن علی

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

في الإسماعيلية: أظن أن وصية رسول الله (ص) الواردة عن الإمام الصادق (ع) والأئمة (ع)، وكذا عشرات الروايات الواردة عن الأئمة (ع) كافية في الدلالة على إمامة الإمام موسى بن جعفر (ع)، وأرجو منك الإلتفات إلى أن الله لم يترك خلقه دون أن يضع لهم قانوناً لمعرفة الحجة المنصب منه سبحانه وتعالى، ومنذ اليوم الأول الذي خلق فيه حجته، وهو آدم (ع) فجعل: (النص، العلم، حاكمية الله) هي الدليل والقانون لمعرفة الخليفة. أقرأ الإضاءات: ج 3 قسم 2 سيصدر قريباً إذا أردت التفصيل [411].

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

در مورد اسماعیلیه، گمان می‌کنم وصیت رسول خدا (ص) که از امام صادق (ع) و ائمه (ع) نقل شده است و همچنین ده‌ها روایت وارد شده از ائمه (ع) برای امامت امام موسی کاظم (ع) دلالت کافی داشته باشد و امیدوارم توجه داشته باشید که خداوند خلقتش را بدون قانونی برای شناخت حجت منصوب از طرف خودش ترک نکرده است، از همان روز اولی که حجتش یعنی آدم (ع) را خلق نمود، این قانون را وضع نمود؛ یعنی: «وصیت، علم و دعوت به حاکمیت خداوند»؛ اینها قانون شناخت جانشین خداوند می‌باشد. اگر خواهان تفصیل بیشتری هستی، کتاب روشنگری‌ها جلد ۳ قسمت ۲ که انشاء الله در آینده‌ای نزدیک منتشر می‌شود را مطالعه کن [412].

البهائية: الرد عليهم وعلى كل مبطل هو بقانون الله لمعرفة الحجة الوارد في القرآن. ثم هم يرجعون في الأصل إلى علي محمد الباب، وهذا الذي سمى نفسه البهاء أحد تلامذته، والباب ادعى أنه باب الإمام المهدي (ع) ولم ينكره، ولكنه بشر بالذي يأتي بعده، واستغل هذا التلميذ التبشير ودعا إلى نفسه، كما أنه في نفس الوقت ادعى أخو هذا البهاء بأنه هو المبشر به.

بهائيه: پاسخ آنها و هر اهل باطل دیگری با قانون شناخت حجت که در قرآن آمده است خواهد بود. آنها در اصل به علی محمد باب برمی گردند و کسی که خودش را «بها» نامید یکی از شاگردان او بود. باب مدعی بود که دروازه‌ی امام مهدی (ع) است و امام را انکار نکرد. او به کسی که بعد از خودش می‌آید بشارت داد؛ این شاگرد از این فرصت استفاده کرد و بشارت را به خودش نسبت داد؛ حتی در همان هنگام برادر این بها نیز ادعا کرد که او همان کسی است که بشارتش داده شده است!



[411] - كتب السيد أحمد الحسن هذا الجواب قبل أن يصدر كتاب الاضاءات: ج 3 قسم 2، والكتاب قد صدر منذ عدة أشهر. (المعلق).

[412] - این پاسخ را سید احمد الحسن قبل از انتشار این کتاب نوشته بود. این کتاب منتشر و به فارسی نیز ترجمه شده است.